

راکت خندیل استری

دکتر لیلا سلیقه‌دار

تجربه گزارش یک جلسه آموزشی و هم‌اندیشی با معلمان

در تلاش هدفمند آنان برای رفع و یا بهبود شرایط دارد، اشاره شده است. برای مطالعه این نوشته که در واقع قالبی گزارشی از برپایی یک جلسه آموزشی و هم‌اندیشی با معلمان دارد، از شما خواننده گرامی درخواست می‌شود خود را به عنوان یکی از اعضای حاضر در جلسه فرض کنید و در فعالیت‌های فکری و ارائه نظر مشارکت داشته باشید.



در مدرسه ما، ساعات تفریح فرصتی است تا هر کدام از معلمان در خصوص مسائل و نگرانی‌های خود صحبت کند و از نظرات و دیدگاه‌های سایرین بهره‌مند شود. اوایل سال تحصیلی موضوع نحوه جذب دانش‌آموزان به درس و یادگیری و به ویژه انجام تکلیف توسط آنان از جمله موضوعات داغ زنگ‌های تفریح بود. هر دفعه یکی از همکاران گله‌ها و نگرانی‌های خود را از این بابت مطرح می‌کرد و پاسخ‌ها و راهکارهایی را از سایرین دریافت می‌داشت. اما طرح مکرر موضوع نشان می‌داد که در واقع چیزی تغییر نکرده و مشکل هم‌چنان وجود دارد. همین شرایط موجب شد خانم سلیمانی بنا به پیشنهاد ما به عنوان نماینده دبیران از مدیر مدرسه بخواهد که جلسه‌ای شورای معلمان را به این موضوع اختصاص دهد تا در زمان مناسب و با آمادگی لازم به بحث و بررسی حول و حوش این مسئله بپردازیم.

شورای معلمان مدرسه

باری، بالاخره روز موعود فرا رسید و جلسه شورای معلمان با موضوع «تکلیف دانش‌آموزی» برگزار شد. البته

حرفه معلمی از جمله مواردی است که گستره بسیاری از مهارت‌ها و توانایی‌های خاص را دربر می‌گیرد و تسلط معلم بر هر یک از آن‌ها می‌تواند راهنما و کمک خوبی برای ارائه و تکمیل فرایند یاددهی-یادگیری باشد. اما در این میان، گاهی تکرار برخی از مهارت‌ها در قالب جشنواره‌ها و مسابقات، این اندیشه نادرست را در ذهن برخی ایجاد می‌کند که یک مهارت خاص ممکن است فقط برای ارائه در یک مراسم خاص به کار آید. این در حالی است که برنامه‌های این چنینی تنها بهانه‌ای برای مهارت‌ورزی بیشتر معلمان هستند. در این مقاله به گامی اساسی و پایه در تفکر پژوهشی معلمان، که تأثیر بسزایی

چگونه می‌توانم زمینه انجام تکلیف را در دانش‌آموزانم فراهم کنم

از دانش آموزان آن‌ها هم نسبت به انجام تکلیف احساس مسئولیت نمی‌کنند و راه‌های جایگزین را برمی‌گزینند. ضمن ابراز همدلی با احساس معلمان در برخورد با چنین اتفاقاتی، این موضوع را برای بحث و تبادل نظر بیشتر انتخاب کرده و از آنان پرسیدم: «با توجه به این شرایط، سؤالات اصلی شما شامل چه مواردی می‌شود؟» بعد از مرحله اول که همگی فرصتی برای بیان نقطه نظرات خود داشتند، حالا دیگر فکر آن‌ها درگیر موضوع شده و فعالانه به اظهار نظر می‌پرداختند. مهم‌ترین سؤالات به این ترتیب مطرح شد:

- * چرا دانش آموزان نسبت به انجام تکلیف احساس مسئولیت نمی‌کنند؟
- * چرا دانش آموزان حاضرند به جای انجام تکلیف، به استفاده از راه‌های نادرست و فریب دادن سایرین دست بزنند؟
- * چرا دانش آموزان تصور درستی از انجام تکلیف ندارند؟
- * چرا تکلیف در برخی از کلاس‌ها مانند ریاضی به صورت عملی تنبیهی احساس می‌شود تا جایی که حتی رسیدگی به آن، معلم را نیز دچار رنجش می‌کند؟

باید اضافه کنم که پیش از رسیدن به این موعدها، همکاران و مدیر مدرسه از من خواسته بودند تا مدیریت جلسه و راهنمایی این گفت‌وگو را بر عهده داشته باشم. قبول این وظیفه موجب شد تا اقدام به مطالعه و بررسی‌هایی در منابع گوناگون مرتبط با موضوع مورد نظر کنم و بکوشم تا جلسه به نحو شایسته‌ای برگزار شود. ضمن این که در این مطالعات متوجه شویوه‌ای شدم که می‌توانست به بهترین شکل راهنمای ما در حل این مسئله و سایر مسائل مشابه در مدرسه و کلاس درس باشد.

برای شروع صحبت از همکاران خواستم که جهت شناسایی محدوده و نوع دغدغه‌های معلمان، زمانی را اختصاص دهند تا هر یک از حاضران بتوانند فهرستی از دل‌مشغولی‌ها و مواردی را که موجب نگرانی آن‌ها می‌شود ارائه کنند. بدیهی است که از میان ده‌ها نکته مطرح شده - که هم‌چنان می‌توانست ادامه داشته باشد - موارد مشابه و یکسانی نیز به چشم می‌خورد. یکی از این موارد «کم‌اهمیتی تکلیف در نگاه دانش آموزان» و بر این اساس «عدم توجه آنان به کم و کیف انجام آن» بود.

چرا تکلیف

خانم حسینی، دبیر ریاضی، گفت: «در نیمه‌های سال بود که متوجه شدم روی دفتر تمرین برخی از دانش آموزانم و در محل نام و نام خانوادگی آن‌ها که از ابتدای سال خواسته بودم نام خود را روی جلد دفتر ذکر کنند، به قطر چند میلی‌متر لاک گرفتگی وجود دارد. این مسئله توجه مرا جلب کرد و چرایی آن نقطه آغاز تفحصی گردید که نشان داد برخی از دانش آموزان در ساعات مختلف از دفتر دانش آموزان کلاس‌های دیگر برای نشان دادن تکلیف خود در کلاس استفاده می‌کنند و برای این که معلم متوجه نشود که این دفتر به آن‌ها تعلق ندارد، نام صاحب دفتر را لاک گرفته و اسم خود را جایگزین می‌کنند. صاحب دفتر هم پس از بازگشت دفترش همین کار را تکرار می‌کند و در نتیجه تا نیمه سال میزان لاک گرفتن نام‌ها برجستگی چند میلی‌متری را ایجاد می‌کند.»

بعضی از معلمان در برابر این مسئله معلم ریاضی و نوع رفتار دانش آموزان جا خوردند و با خود اندیشیدند که تاکنون چند بار طعمه چنین حقه‌ای واقع شده‌اند، اما برخی دیگر تجربه‌های دیگری را تعریف کردند که نشان می‌داد تعدادی

توجه به چگونگی و تغییر، نوید بهبودی و حرکت به سوی شرایط بهتر را می‌دهد و این همان مقصودی است که معلم در برابر مسائل به دنبال آن است



چگونه می‌توان با کمترین تأکید بر ارائه تکلیف از دانش‌آموزان در یادگیری آنان مؤثر بود

برای پرهیز از تکرار سؤالات، مدتی سکوت در جلسه حکم‌فرما شد. به نظر می‌رسید این نوع سؤالات کافی و تمام‌کننده موضوع نبودند. اما چه سؤالات دیگری باید مطرح می‌شد؟

این پرسش، موجب شد تا زوایای دیگری از موضوع مورد بررسی همکاران قرار بگیرد و نتیجه آن سؤالی بود که خانم بیدقی با شتابزدگی زیاد آن را مطرح نمود:

«اصلاً چرا تکلیف؟ چرا باید از دانش‌آموزان خود بخواهیم تکلیف انجام دهند که چنین نتیجه‌ای داشته باشد و بعد به فکر درمان آن باشیم؟!»

هر چند استقبال زیادی از این سؤال نشد اما بهانه‌ای فراهم آمد تا مسیر گفت‌وگو عوض شود. از همکارانم که مشتاقانه در بحث حاضر بودند، خواستم تا به سؤالاتی که روی تابلو نوشته شده توجه کنند؛ این که چه وجه اشتراکی بین آن‌ها دیده می‌شود؟ همه از چرایی‌ها پرسش شده و این نشان می‌دهد که ذهن افراد به دلایل و علت‌ها بیشتر معطوف است. سپس ادامه دادم: «هر چند دلایل و ریشه‌ها می‌توانند چراغ راه برای حل مسئله باشند اما لزوماً در دل خود راه‌حل ندارند. بر این اساس، می‌بایست سؤالات در مواجهه با یک مسئله، به گونه‌ای مطرح شود که ذهن را به جست‌وجوی راه‌حل که البته لازم است برآمده از علت‌ها باشد دعوت کند. با این توضیح، سؤالات ما در برابر موضوع مورد نظر چگونه باید مطرح شود تا انتظار تغییر و بهبودی از آن‌ها احساس شود؟»

زمان زیادی لازم نبود تا همکاران سؤالات خود را تغییر دهند. بعد از چند بار بیان خطا و اصلاح، بالاخره سؤالات تازه‌ای به این شکل مطرح شد:

*** چگونه می‌توان در دانش‌آموزان احساس مسئولیت در قبال انجام تکلیف را ایجاد و یا تقویت کرد؟**

*** چگونه می‌توان جذابیت‌های انجام تکلیف را برای دانش‌آموزان افزایش داد؟**

*** چگونه می‌توان دانش‌آموزان را از انجام کارهای نادرست - که به منظور رفع تکلیف صورت می‌گیرد - بر حذر داشت؟**

*** چگونه می‌توان احساس خوشایندی را از انجام تکلیف در دانش‌آموزان ایجاد کرد؟**

سؤالات مطابق انتظاری که از این بخش گفت‌وگو داشتم، مطرح شده بود. حالا می‌توانستم با تکیه بر سؤالات، ذهن مخاطبان را به ارائه راه‌حل هدایت کنم: «توجه به چگونگی و تغییر، نوید بهبودی و حرکت به سوی شرایط بهتر را می‌دهد و این همان مقصودی است که معلم در برابر مسائل به دنبال آن است. پس از این است که

شناخت دلایل وجودی مسئله می‌تواند تا اندازه‌ای در ارائه راه‌حل‌های مؤثر هدایت‌کننده باشد.» با ذکر سؤالاتی که به چگونگی حل مسئله دلالت دارند، همه معلمان حاضر در جلسه، تأیید کردند که پرسش‌هایی از این نوع به ایجاد احساس بهتر برای حل مسئله و نیز امیدواری در یافتن راه‌حل‌های متعدد می‌کند.

تکلیف‌بی تکلیف

اما در این میان، خانم بیدقی بر عقیده خود استوار بود و سؤال خود را این‌گونه تغییر داد:

«چگونه می‌توان با کمترین تأکید بر ارائه تکلیف از دانش‌آموزان در یادگیری آنان مؤثر بود. در واقع چگونه می‌توان به دانش‌آموزان تکلیف نداد؟»

این نوع توجه و نگاه به موضوع برای همه از تازگی خاصی برخوردار بود. به عبارت دیگر «تعیین نکردن تکلیف» به هیچ روی در تصور تعداد زیادی از همکاران حاضر هم نمی‌آمد. اما نمی‌شد از این نظر بدون توجه گذر می‌کردیم. به همین دلیل این نکته که به شیوه‌ای با جسارت و خلاقیت خاص به سؤال توجه شده مورد قدردانی قرار گرفت. هم‌چنین توضیح دادم که در این سؤال نیز، محور تفکر، چگونگی حل مسئله است و این همان هدفی است که از این گفت‌وگو به دنبال آن هستیم. از همکاران خواستم تا از میان سؤالات جدید، نمونه‌ای را که بیشتر توجه‌شان را به خود جلب کرده در نظر بگیرند. براساس نوع سؤال انتخابی، معلمان در چند گروه قرار گرفتند. حالا زمانی را در اختیار داشتند تا به ارائه راه‌حل مشغول شوند. تنها این رویارویی و در واقع در جریان عمل قرار گرفتن بود که ثابت می‌کرد این سبک سؤالات به وضوح بر یافتن ساده‌تر راه‌حل‌ها تأثیر می‌گذارد. پس از جمع‌آوری راه‌حل‌ها، به نکته جالبی برخوردیم. تقریباً در تمام گروه‌ها اختلاف نظرهایی در مورد تناسب هر راه‌حل در کلاس درس‌های مختلف دیده می‌شد. به شکلی که ممکن بود یک راه‌حل با وجود ظاهر معقول آن در یک کلاس امکان اجرا نداشته و یا از تأثیرگذاری پایینی برخوردار باشد اما در مقابل، همان راه‌حل با اطمینان در کلاس دیگر یا در همان کلاس البته در درس دیگر مؤثر جلوه کند.

بر این اساس، چنین نتیجه گرفته شد که راه‌هایی از این دست که قرار است یک مسئله را در شرایط و موقعیت‌های گوناگون حل کنند، لازم است با همان شرایط تناسب داشته باشند؛ زیرا یک راه‌حل همواره در تمام شرایط قابلیت کاربرد ندارد. این نتیجه بیش از همه برای خانم بیدقی، خوشحال‌کننده بود. او گفت: «در تمام مدت در ذهن من این راه‌حل که اصلاً تکلیفی تعیین نشود، بیش از سایر راه‌حل‌ها خودنمایی می‌کرد؛ زیرا تصور می‌کنم در درسی مانند درس من که روخوانی بیش از سایر مهارت‌ها

وصف‌ناپذیر همکاران از دریافت راهی مهم به شیوه‌ای ساده برای حل مسئله، که نشان‌دهنده احساس رضایت و خرسندی آنان از برگزاری نشستی با حضور فعال خود آن‌ها بود، جلسه پایان یافت و ادامه بحث و گفت‌وگو به زمان دیگری موکول شد.

در حاشیه‌های جلسه

در طول جلسه و هنگامی که از احساس مسئولیت دانش‌آموزان در برابر انجام تکلیف سخن به میان آمده بود، خانم نوری نژاد، دبیر عربی گفت: «معلوم است که چیزی بر دل می‌نشیند که از دل برآمده باشد. وقتی خودمان هم در برابر تکالیفمان احساس مسئولیت نداشته باشیم، نمی‌توانیم منتظر باشیم که دانش‌آموزان چنین رفتار نکنند.» البته این نوع ابراز نظر با مخالفت عده‌ای مواجه و موجب شد که ایشان نظر خود را این‌گونه اصلاح کنند: «منظور من برخاسته از زمانی است که ما دانش‌آموز بودیم و خودمان هم چندان در برابر انجام تکلیف احساس مسئولیت نمی‌کردیم. این احساس به خاطر این بود که شاید معلم مسئولیت‌پذیری نداشتیم؛ کسی که خودش در برابر یاد دادن ما تلاش مضاعفی نمی‌کرد و ما نمی‌توانستیم اشتیاق یادگیری را در رفتار و گفتار او ببینیم.» ولی این تغییر و اصلاح نظر هم موجب نشد که برخی از مخالفت خود دست بکشند و هم‌چنان اصرار داشتند که این نکته علت مسئله بی‌توجهی دانش‌آموزان آنان به امر تکلیف نیست!

اصلاً چرا تکلیف؟ چرا باید از دانش‌آموزان خود بخواهیم تکلیف انجام دهند

در حاشیه‌های جلسه

نزدیک به پایان جلسه بود. خانم قدار، دبیر ورزش، که چندان حرفی در موضوع تکلیف نداشت اما نکته‌های بسیاری را مطرح کرده و فعالانه در بحث شرکت کرده بود، با صدای بلندی گفت: «خدا خیرتان بدهد. خب از اول هم می‌گفتید که این همان اقدام‌پژوهی است. من دوره آن را گذرانده‌ام اما همیشه فکر می‌کردم که تنها برای شرکت در مسابقه معلم پژوهنده کاربرد دارد!» ایراد این سخن از جانب خانم قدار، تعجب و توجه همگان را برانگیخت.

تأثیرگذار است و بهتر است این مهارت به صورت تمرین در کلاس و در حضور معلم و نیز سایر دانش‌آموزان اتفاق بیفتد، ارائه انواع تکلیف‌هایی که لازم است دانش‌آموز در خانه انجام دهد و به همین سبب او را ترغیب به انجام ندادن می‌کند، ضرورتی ندارد. از این‌رو هنوز هم فکر می‌کنم، دست‌کم در کلاس من، عدم ارائه تکلیف بهترین گزینه برای رفع مسئله امروز است.»

با توضیحاتی که پیش از این داده شده بود، نظر ایشان درست و منطقی به نظر می‌رسید. هر چند که برخی دیگر به ویژه خانم حسینی و همکارانی که درسی مانند ریاضی را تدریس می‌کردند، به هیچ روی با چنین تصمیمی موافق نبودند. برای این‌که از بحث اصلی خارج نشویم، از همه دعوت کردم تا به فیلم مستندی که از یک کلاس درس تهیه شده بود توجه کنند. این کلاس به درس ادبیات فارسی مربوط بود. دبیر از دانش‌آموزان خود خواسته بود تا شعر کتاب را از بر کنند اما این تکلیف مورد توجه و اهتمام هیچ‌یک از دانش‌آموزان واقع نشده بود و هر کدام دست و پا شکسته قسمت کوتاهی از شعر را در ذهن خود نگه داشته و یا آن‌که به کل قید این تکلیف را زده بودند. فیلم در جایی تمام می‌شد که معلم در تحریر چنین رفتاری از سوی دانش‌آموزان به این فکر فرو می‌رفت که چه تدبیری می‌تواند دانش‌آموزان کلاس او را از این شرایط نجات دهد؟ هنوز دکمه توقف پخش فیلم را زده بودم که اظهارنظرهای تماشاگران شروع شد. هر کدام راهی را پیشنهاد می‌داد. از همه خواستم تا پیش از ارائه راه‌حل، مسئله این معلم و پرسش اساسی او را بیان کنند. بعد از ارائه چند جمله و سؤال که چندان منظور نهایی را به صورت کامل نشان نمی‌داد، بالاخره به این پرسش رسیدیم: «چگونه می‌توانم زمینه انجام تکلیف را در دانش‌آموزان فراهم کنم؟»

این پرسش مرا کاملاً مطمئن کرد که همکارانم با گام اول حل مسئله که بخش اساسی آن نیز هست، آشنا و در آن متبحر شده‌اند. از این‌رو ادامه دادم: «آنچه امروز ما با هم آموختیم و تمرین کردیم، نحوه یافتن پرسش و بیان آن و چگونگی رویارویی با چالش‌ها و مسائل پیرامون خود به ویژه مسائل حرفه‌ای مان است. این شیوه از رویارویی با مسئله، از جمله ضروریات در حرفه ماست، زیرا موجب می‌شود تا به گونه‌ای اثربخش و مشکل‌گشایانه با مسائل پیرامون خود روبرو شویم. نوع طرح سؤال همواره با نحوه برخورد ما با آن ارتباط مستقیم دارد؛ به شکلی که طرح و بیان درست سؤال، نیمه راه رفته را تا حل کامل مسئله دربر می‌گیرد.» در پایان، تصمیم گرفتیم تا سایر دغدغه‌ها و مسائل حرفه‌ای خود را که با یادگیری دانش‌آموزان ارتباط دارد، به همین ترتیب تنظیم کنیم تا تلاشی امیدوارانه برای حل آن‌ها را آغاز کرده باشیم. در میان همه‌ها و اشتیاق

